آینه

جمهوری اسلامی

سرمقاله: «ملاحظاتی پیرامون توافق تجاری ایران و روسیه»

دیپلماسی «رویکرد به شرق» یک‌بار دیگر در کانون توجه و اولویت کاری دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است، آن‌هم توسط دولتی که در میان منتقدانش متهم به توجه بیش از اندازه به غرب است و دقیقا در زمانی که بیشترین تلاش‌ها در ایران و مغرب‌زمین برای حل‌وفصل مناقشات اتمی و... جریان دارد... ایران در بحبوحه مذاکرات دشوار با گروه کشورهای ۱+۵ بیش از هر زمان دیگری به ازهم‌پاشیدن دیوار تحریم‌ها نیاز دارد تا به این ترتیب طرف‌های غربی را وادار به امتیازدهی کند. روسیه به‌عنوان یکی از کشورهای شاخص غیرغربی، به‌تازگی آماج تحریم اروپا و آمریکا قرار گرفته است و برای کاستن از فشارهای این تحریم‌ها، تمایل فراوانی به گسترش ارتباط با همسایه جنوبی خود دارد. محصول این هم‌افزایی و اشتراک منافع و اولویت‌ها، انعقاد تفاهمنامه‌ای کلی برای گسترش تبادلات اقتصادی میان دو کشور ایران و روسیه به ارزش ۷۰میلیاردیورو بود.

ایران

«ادعای اعمال فشار بر نمایندگان در پرونده بابک زنجانی»

یک نماینده مجلس از اعمال فشار روی نمایندگانی خبر داد که پرونده بابک زنجانی را پیگیری می‌کنند. «امیرعباس سلطانی» عضو کمیسیون انرژی در مجلس به خانه ملت گفت: کسانی که پرونده زنجانی را در مجلس پیگیری می‌کنند تحت فشار قرار می‌گیرند که پرونده را رها کنند.

اعتماد

سرمقاله: «تجدیدنظرطلبی»

اتفاقا تندترین تجدیدنظرطلبی‌ها از سوی مجموعه دوستان افراطی شما شده است. گرچه به حقِ شما و دوستان‌تان در دولت پیش در تجدیدنظرکردن ایرادی نیست، ولی رطب‌خورده منع رطب کی می‌کند؟ نگاهی به سخنان رییس‌جمهور موردنظرتان بیندازید تا ببینید تا چه عمقی از مسایل اسلامی تجدیدنظر شد، ولی شما هیچ‌گاه صدای‌تان درنیامد. ایرادی هم نداشت، چون گمان می‌کردید که به‌نفع شما نیست. ولی الان می‌توانید هر اظهارنظر کارشناسانه‌ای را مصداق تجدیدنظرطلبی دانسته و پیشاپیش آن را محکوم کنید... پیشنهاد می‌شود که به‌جای واردشدن به این انگ‌زدن‌ها که نتیجه آن در نظام‌های کمونیستی دیده شده است، وارد بحث و گفت‌وگو شوید. مطالب دیگرانی را که تجدیدنظرطلب می‌خوانید نقد کنید، با آنان به طریق احسن مجادله کنید تا مردم آگاه شوند، اگر به خودتان و عقایدتان اطمینان دارید. اگر هم واجد این اطمینان نیستید، کار چندانی نمی‌توان کرد.

کیهان

سرمقاله: «موهبت بزرگ الهی»؛ حسین شمسیان

نحوه اطلاع‌رسانی و پوشش خبری مراحل درمان و عمل جراحی رهبر معظم انقلاب همان اقدام ارزشمند و ستودنی است که به‌لحاظ حرفه‌ای و نیز به‌لحاظ آرامش‌بخشی به جامعه، جای تحلیل و البته تقدیر فراوان دارد. واقعیت غیرقابل انکار این است که سلامت و عافیت رهبر عزیز انقلاب برای مردم کشورمان و در نگاهی درست‌تر و منطقی‌تر برای مردم مسلمان عالم، مساله‌ای حیاتی و قابل‌توجه است و به‌طور طبیعی کوچک‌ترین مشکل در سلامتی ایشان، نگرانی عمیق و جدی مردم را به‌دنبال خواهد داشت. و به روال همیشگی و شناخته‌شده، با سوءاستفاده و توهم‌پراکنی دشمنان نیز همراه خواهد بود. اما پوشش خبری دقیق و حساب‌شده این رخداد و به‌خصوص مصاحبه معظم‌له، راه را بر هر حدس و گمانی بست. با این‌همه نگرانی مردم پایانی نداشت و در نتیجه عطش و اشتیاق آنها برای اطلاع از سلامت پیر و مرادشان بیشتر می‌شد. اطلاع‌رسانی‌های بعدی و گزارش تیم معالج، اندک‌اندک، نگرانی را به آرامش و تشویش را به شکرگزاری و سپاس از درگاه خداوند بدل کرد. و این‌گونه شد که ایران به نماز شکر ایستاد.

رسالت

سرمقاله: «نقض حقوق بشر در ایران!»؛ محمدکاظم انبارلویی

بخش دیگری از گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری علیه ملت ایران اختصاص به حقوق زنان و حقوق همجنس‌گرایان دارد. آنها به‌دلیل اینکه در قرآن و احکام الهی، همجنس‌گرایی جرم محسوب می‌شود، ما را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند. آنها از سرنوشت قوم لوط درس نگرفته و جوامع خود را در مسیری قرار داده‌اند که فروپاشی خانواده‌ها و تهدید و تحدید نسل، کمترین آسیب این رویکرد است. آنها باید منتظر یک صیحه آسمانی باشند تا به قهر الهی نابود شوند. آنها بی‌آنکه از حقوق اسلامی چیزی بدانند ما را متهم به نقض حقوق زنان می‌کنند در حالی که در جوامع خود سالانه ده‌هاهزار زن توسط شوهران‌شان یا شوهران به دست زنان‌شان به قتل می‌رسند. صدهاهزارنفر مورد اذیت و آزار جنسی قرار می‌گیرند، با وجود آنکه داد و فریاد روانشناسان و جامعه‌شناسان آنها به هوا بلند است، خود را در یک گرداب توفانی گرفتار کرده‌اند و می‌خواهند جوامع اسلامی را هم به همان گرداب وحشتناک ببرند.

جوان

یادداشت: «مبارزه با تروریسم داعش یا حمایت از آن؟»، هادی محمدی

مبارزه با تروریسم داعش پیشکش شما باشد و شما غربی‌ها فقط دست از حمایت تروریست‌ها بردارید تا منطقه، روی سلامت به خود را مشاهده کند. همانگونه که در افغانستان با نام مبارزه با القاعده به تکثیر آن در سطح جهان پرداختید، امروز مبارزه با داعش نیز برای گسترده‌ترکردن در عرصه جهانی است و بوی مبارزه واقعی از برنامه‌های شما به مشام نمی‌رسد.

رجب صفراف، کارشناس روسیه در گفت‌وگو با «شرق»:

برخی مقامات روس افزایش تحریم ایران را به سود «مسکو» می‌دانند

محمدحسن نجمی . علی ایوبی

عکس: عباس کوثری، شرق

تجربه ثابت کرده که ماهرترین بندبازان نیز، نمی‌توانند همواره تعادل خود را روی بند حفظ کنند؛ آن‌هم بندی به درازنای تاریخ. روسیه در طول تاریخ ثابت کرده دوستدار آن است که با بندبازی میان ایران و غرب هم از کارت ایران سود ببرد و هم از غرب. فقط ایران مصداق این نگاه روس‌ها نیست؛ عراق و لیبی دونمونه معاصر این سیاست روس‌ها هستند. این رفتار و عملکرد مسکو در قبال تهران نیز بارز بوده و باعث شده تا ایرانیان نگاه خوبی به مسکو نداشته باشند. بدبینی ایرانیان به روس‌ها محدود به چندسال اخیر نمی‌شود و در طول تاریخ امتداد داشته است. اگر به رفتار روس‌ها در قبال ایران پس از انقلاب اسلامی نگاهی گذرا داشته باشیم، می‌بینیم که تهران رفتارهای غیردوستانه زیادی را از جانب همسایه شمالی‌اش شاهد بوده است؛حمایت تسلیحاتی از عراق در طول جنگ، پیوستن به تحریم‌های غرب علیه ایران و... از جمله دلایلی هستند که باعث شده ایرانیان نگاهی همراه با بی‌اعتمادی به روسیه داشته باشند؛ بی‌اعتمادی‌ای که اگر برای آن دیواری قایل شویم، بلندتر از دیوار بی‌اعتمادی معروف نباشد، کوتاه‌تر هم نیست. این نگاه ایرانیان در کنار موضوعات روز مانند تحریم‌ها و مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه «۱+۵» در گفت‌وگو با دکتر «رجب صفراف» مدیر کل مرکز مطالعه ایران معاصر مسکو به چالش کشیده شد. او که پیش از این «مشاور معاون رییس دومای روسیه» هم بوده، در قالب کمیسیون همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران و روسیه همراه وزیر انرژی این کشور به تهران آمد. از دیگر سمت‌های مهم او عضویت در شورای سیاسی وابسته به ریاست‌جمهوری روسیه بوده است. به گفته خودش او حدود ۱۰سال است که در این کمیسیون فعال است و سمتش هم رییس «کمیسیون ایران در اتاق بازرگانی و صنعتی مسکو» است. «صفراف» فارسی را روان صحبت می‌کند چرا که در شهر «دوشنبه» تاجیکستان به دنیا آمده و زبان فارسی به نوعی زبان مادری‌اش محسوب می‌شود. آنچه مورد تاکید است این است که او با عنوان «مدیر کل مرکز مطالعه ایران معاصر» با «شرق» گفت‌وگو می‌کند نه با سمت‌های دیگرش.

آیا می‌توان گفت مسایل مربوط به جنگ سرد و ضدیت ایران با غرب در نگاه مثبت مردم روسیه به ایران و در نتیجه تفاوت نگاه مردم و دولت روسیه نسبت به ایران نقش دارد؟

یکی از عوامل می‌تواند این نکته باشد. مطمئنا اکثر جمعیت روسیه از سیاست‌های آمریکا و غرب در قبال روسیه دلخور هستند. آنها آمریکا را به چشم یک کشور تروریستی در جامعه جهانی نگاه می‌کنند؛ کشوری که می‌خواهد جامعه جهانی را تابع خود کند. به همین دلیل هر کشوری که روبه‌روی آمریکا می‌ایستد، نظر مثبت مردم روسیه را به خود جلب می‌کند. اما عامل دیگر خیلی مهم، به این برمی‌گردد که مردم روسیه معتقدند در رابطه با ایران عدالت رعایت نشده و بی‌انصافی می‌شود و با هر بهانه‌ای جلو ایران را می‌گیرند. البته نگرانی‌هایی وجود دارد که غربگراها، لابی‌های اسراییل و ستون‌پنجم هرروز از ایران چهره‌ای نشان می‌دهند که واقعی نیست. موارد اقتصادی، فرهنگی و جایگاه ایران مواردی هستند که در رابطه با آن از ایران چهره نامناسبی ساخته‌اند. آنها به دلیل اینکه رسانه‌های زیادی دستشان است، توانسته‌اند بر قسمتی از مردم تاثیرگذار باشند.

شما می‌گویید موضع مردم روسیه نسبت به ایران حمایتی است اما دولت روسیه به قطعنامه تحریمی ایران در شورای‌امنیت رای مثبت می‌دهد. در حالی که می‌توانست «وتو» کند. این دوگانگی را چگونه توجیه می‌کنید؟

من نمی‌توانم «دوگانگی» بگویم. به جایش باید از کلمه «فاصله» استفاده کرد. فاصله بین مردم و دولت خیلی زیاد است. مردم نظرشان یک‌چیز است و دولت از نظر خودش اقدام می‌کند.

واقعیت این است که در ذهن بخشی از ایرانیان، روسیه یک دولت کاسب‌کار تلقی می‌شود که از برخی کشورها حمایت می‌کند اما در بزنگاه‌ها بر اثر فشار یا پیشنهادهای غرب، آن کشورها را تنها می‌گذارد، نظر شما چیست؟

ما در مسکو مقاله‌ای منتشر کردیم تحت عنوان ۱۶دلیل بی‌اعتمادی ایرانیان به روسیه. هر ایرانی که با او صحبت کنید حتما سه، چهار دلیل دارد که به روسیه بدبین باشد. ولی ما ۲۰۰سال اخیر را مطالعه کردیم که چرا این نظر پدید آمده. بعد از اینکه ۱۶دلیل منتشر شد، برخی مقامات دولتی از آن خیلی خوششان نیامد اما در صحبت‌های غیررسمی گفتند که ما صددرصد با موارد گفته شده در آن موافقیم. ما هم گفتیم اگر تاریخچه و سابقه ارتباط را نشناسیم، نمی‌توانیم ارتباط درستی داشته باشیم. دلایل زیادی هست که چرا روسیه این کارها را می‌کند. پس از فروپاشی شوروی و روی‌کارآمدن «بوریس یلتسین» روسیه تقریبا فلج بود. رشته‌های اقتصادی‌ای که بین ۱۵جمهوری برقرار بود، از هم گسسته و در نتیجه آن، اقتصاد روسیه فلج شد. اگر وام‌های غربی نبودند، خود روسیه هم شاید به فروپاشی کشیده می‌شد. چون غربی‌ها از نیرو و سلاح‌های اتمی روسیه می‌ترسیدند و فکر می‌کردند اگر فروپاشی دوم رخ دهد و روسیه از هم بپاشد، این سلاح‌ها و امکانات دست چه کسانی می‌افتد؟ به همین دلیل هراس داشتند که کار به اینجا نکشد و وام‌هایی به روسیه دادند. وقتی که وام دادند شرط‌هایی گذاشتند که مسکو را رام خودشان کردند. مثلا در وزارت مالیات و دارایی، هزارنفر کارشناس آمریکایی نشسته بودند و برنامه‌ها را بررسی می‌کردند. بدون تایید آنها هیچ برنامه‌ای اجرا نمی‌شد. آنها هم بهانه داشتند که وام را خودمان دادیم و نمی‌خواهیم اجازه بدهیم وام جای دیگری برود. عامل دوم این بود که رهبران جدید روسیه برای حفظ حاکمیت خودشان خیلی به غرب وابستگی داشتند و غربی‌ها هم برای حفظ امنیت آنها ضمانت داده بودند و این تضمین باعث شد که سیاست روسیه عوض شود. این هم یکی از دلایلی است که روسیه غربگرا شد و غربگراها بر سر قدرت آمدند و حاکمیت را در دست گرفتند. پس از آن بود که کمونیست‌ها و لیبرال‌دموکرات‌ها کنار رفتند و حزب «روسیه واحد» سرکار آمد. در دو دهه اخیر آنقدر نیروهای غربی آمدند که ستون‌پنجم خیلی محکمی درست کردند و اینها مدیریت می‌کردند. مسایل و ارتباط با ایران برای روسیه تبدیل به کارت‌بازی شده بود که در لحظات مهم آن را از جیب بیرون می‌آورد و با کارت ایران از غرب امتیاز می‌گرفت. البته هر کشوری این کار را برای خود انجام می‌دهد ولی از زمان یلتسین و پس از آن، دوره اول پوتین، تمام دوران مدودف بیشتر استفاده شد. ولی در دوره فعلی پوتین، تازه به آن رسیده‌ایم که موضع‌گیری‌هایمان درمورد ایران باید در امتداد منافع ملی روسیه باشد. معتقدم که در دوره چهارساله اول پوتین نیاز بود که ریشه لیبرال‌هایی که غربی‌اند شناسایی شده و آنها را کمرنگ کند. در دولت روسیه، نظری در حال جاافتادن است و آن این است که باید با ایران رابطه خوب داشته باشیم؛ چراکه غیر از همسایگی و مبارزه با غرب، نکته دیگری هم هست؛ آن نکته این است که ایران موجب نجات روسیه است. مثلا تصور کنید که ایران کشوری غربگرا باشد و ارتباط خیلی خوبی با آمریکا و ناتو داشته باشد. این امر می‌تواند آغاز فروپاشی روسیه باشد. چراکه دلایلی داریم که نمی‌توان آن را رد کرد.

دیپلماسی روسیه با این حرف شما انطباق ندارد. زیرا گاهی مسکو برای واردکردن فشار به ایران، به غرب کمک می‌کند...

تحریم‌ها و پیوستن به آن به‌هیچ‌وجه به‌نفع روسیه نیست. اینجا صحبت از این است که چه کسی این تصمیم را می‌گیرد و چرا؟ زمانی که روسیه به تحریم‌ها پیوست زمان مدودف بود و پس از آن پوتین اعلام کرد با تحریم‌های جدید موافق نیست. البته همین الان هم موضع‌گیری روسیه خوب و مناسب نیست. درست است که روسیه از ایران دفاع می‌کند و به ۱+۵ برای حل‌وفصل مساله هسته‌ای فشار وارد می‌کند ولی زمانی که همه انتظار داشتند تا ایران و ۱+۵ به توافق برسند، پیشنهاد روسیه باعث شد که آمریکا و غرب دلیلی بیاورند که توافق صورت نگیرد و مذاکرات را تمدید کنند. پیشنهاد روسیه می‌گفت که ایران نیازی ندارد که حتی در سطح پنج‌درصد در خاکش غنی‌سازی انجام دهد، چراکه مسکو آن را به تهران می‌دهد. این باعث شد که انگلیس، فرانسه و آمریکا بگویند که روسیه دوست ایران است و حاضر شده این کار را بکند؛ از طرفی ما هم موافق غنی‌سازی ایران نیستیم، پس ایران چرا قبول ندارد؟ اگر پیشنهاد روسیه نبود، شاید توافق انجام می‌شد. به‌نظر می‌رسد که این پیشنهاد روسیه صرفا اقتصادی بوده، اما باید دید که با این کار، روسیه یک‌شریک خوب را از دست می‌دهد، هرچند ممکن است برای مسکو در کوتاه‌مدت سود اقتصادی داشته باشد، از طرفی هم، ایران این پیشنهاد را قبول نخواهد کرد. چراکه کشوری مثل ایران که داعیه ابرقدرتی منطقه را دارد، مطمئنا می‌خواهد که درمورد تکنولوژی هسته‌ای خودکفا باشد. از سوی دیگر ایران با فرانسه قرارداد بین‌المللی دارد و طبق آن باید سوخت رآکتور تهران تامین شود، اما وقتی قراردادی که آژانس هم آن را تایید کرده و هیچ مشکلی ندارد و صلح‌آمیز است، اجرا نمی‌شود، چه تضمینی وجود دارد که بعدا روسیه هم این کار را تکرار نکند و چرا باید ایران به روسیه وابستگی پیدا کند. این دو دلیلی است که ایرانی‌ها پیشنهاد روسیه را نخواهندپذیرفت.

گروهی از ایرانیان معتقدند که روس‌ها رای مثبت به تحریم‌ها دادند تا ایران تحت‌فشار قرار گیرد و از این شرایط استفاده کنند. درواقع روس‌ها با کارت ایران از غرب امتیاز می‌گیرند. با این نگاه موافق هستید؟

اینکه شما می‌گویید، یک سیاست بالاتری است از آنچه روس‌ها (تصمیم‌گیران) آن زمان در نظر داشته‌اند؛ وقتی روسیه رای داد و به تحریم‌ها پیوست، سود خود را برد. روسیه به‌نوعی با غرب، به‌خصوص آمریکا همراه بود. طبق حرفی که سیاستمداران روس دوست دارند بگویند، روسیه از منافع خودش دفاع کرده است. غرور ملی ایرانی خیلی بالاست که چیز خوبی است ولی آنها از دریچه کشورهای دیگر و منافع آن کشورها به مسایل نگاه نمی‌کنند. یکی از مقامات روس نظر من را می‌پرسید که شما در رابطه با آقای روحانی چه فکری دارید چون دیدگاهی وجود دارد مبنی بر اینکه ایشان غربگراست و اگر سیاست‌های خودش را پیاده کند، عاقبت روابط ما چه می‌شود؟ تا کجا می‌شود روی آن حساب کرد. من گفتم اینگونه نیست؛ بین ایران و غرب به‌خصوص آمریکا، خط قرمزهایی وجود دارد و آنها نمی‌توانند به هیچ‌وجه از آن عبور کنند و ایران هیچگاه سیاست‌های آمریکا در سوریه، عراق، افغانستان و فلسطین را نمی‌تواند بپذیرد، پس تهران و واشنگتن نمی‌توانند شرکای خوبی باشند و ایران نمی‌تواند روسیه را رها و صددرصد به غرب تکیه کند. دوم اینکه ایران هدفی که دارد این است که هرچه سریع‌تر از این تحریم‌ها عبور کند، برای همین به یک تعامل با کشورهای غربی نیاز دارد که این هم باید برای کوتاه‌مدت باشد و هزینه خیلی بزرگی ندهد که مجبور بشود یک‌قرارداد سنگین را به امضا برساند و توسعه اقتصادی‌اش خراب بشود.

اینها که گفتید مربوط به مناسبات ایران و غرب است، به‌طور مشخص، نقش روسیه در همراهی ادواری با غرب را چگونه توجیه می‌کنید. بالاخره هر رفتاری، هزینه‌ای دارد و روس‌ها هم باید هزینه همراهی ادواری با غرب علیه منافع ملی ایران را بپذیرند.

عرض می‌کردم، غرور که ایرانی‌ها هم دارند، چیز بدی نیست ولی به حجم مبادلات اقتصادی ایران و روسیه نگاه کنید. آن زمان که تحریم‌ها شروع نشده بود این رقم چیزی در حدود کمتر از چهارمیلیارددلار بود که الان خیلی کمتر شده است. اما با طرف مقابل صدهامیلیارددلار مبادله سالانه دارند که این مسایل هم به اقتصاد پیوند داده شده است. روسیه هم دلیل دارد که چرا به تحریم‌های غرب علیه ایران پیوسته است. سیاست درصورتی می‌تواند پایدار، باثبات و قوی باشد که حامی منافع اقتصادی باشد. ایران و روسیه اصلا این ویژگی را ندارند.

کشوری که مدعی است می‌خواهد قدرت جهانی محسوب شود نباید به مسایل مهم صرفا از زاویه اقتصادی نگاه کند بلکه بعضی اوقات باید از یکسری منافع اقتصادی بگذرد تا به منافع میان‌مدت و بلندمدت غیراقتصادی برسد. مثلا در چارچوب تحلیل شما اگر دید روسیه این است که ایران باید قوی باشد تا زمینه حضور غرب در ایران مهیا نباشد و امنیت ملی روسیه تامین شود پس چرا اینقدر آمار و عدد و رقم را در مناسبات با ایران لحاظ می‌کنید و حتی تا مرحله توجیه همراهی کرملین با کاخ سفید در تحریم ایران، پیش می‌روید؟

من با شما موافقم. رابطه سیاسی ما در نقطه‌ای قرار دارد که اگر پایین‌تر از آن برود، منافع ما از لحاظ امنیت منطقه‌ای به خطر می‌افتد. در این نقطه از رابطه تهران و مسکو، روسیه مجبور است که از ایران دفاع کند؛ هم در آژانس انرژی اتمی، هم در شورای امنیت و هم در گروه ۱+۵، چرا که الان در نقطه صفر و ریسک قرار داریم که اگر از این نقطه پایین‌تر برویم، ریسک متوجه روسیه می‌شود.

به‌غیراز قطعنامه‌های تحریمی که روسیه رای مثبت داده و به آن پایبند است، مواردی مثل قرارداد موشک‌های «اس-۳۰۰» وجود دارد که روسیه به تعهد رسمی خود عمل نمی‌کند یا مثلا پوتین گفته هرکس در تحریم روسیه مشارکت داشته باشد با آن کشور قطع رابطه می‌کند. برای جبران حذف شرکا، روسیه کشورهای جایگزینی را در نظر گرفته است؛ اما در فهرست شرکای جایگزین حوزه کشاورزی نامی از ایران نیست. درواقع، ایران، در فهرست کشورهایی که روسیه می‌خواهد از آنها محصولات کشاورزی وارد کند، گنجانده نشده است. شما خود از منتقدان این موضوع بوده‌اید. سوال اینجاست چنین رویکردی - که منافاتی با تحریم غرب ندارد - با ادعای حمایت مسکو از تهران همخوانی ندارد. شما می‌توانید بگویید چرا ایران نباید در این فهرست باشد؟

یک مساله کلیدی به‌نظر من وجود دارد و آن اینکه در ۲۰۰سال گذشته و این دوده اخیر هیچ‌وقت سیاست روسیه در رابطه با ایران، «استراتژیک» نبوده و همیشه «تاکتیکی» بوده و با زمان سازش می‌کرده است. در درازمدت فکر نکردند که ایران را باید مثل «دوست» یا «متحد استراتژیک» روسیه حفظ کرد. چرا که زیرساخت خراب است. همیشه روسیه با ایران سیاست تاکتیکی داشته و زیرساخت یا سیاست استراتژیک تا به حال نبوده و این باعث شده سیاستمداران یک‌روز یک حرفی بزنند که امیدوارکننده باشد و فرضا دوهفته بعد حرف دیگری می‌زنند که ناامیدکننده است.

یعنی روسیه برنامه بلندمدت در مورد ایران ندارد؟

دقیقا؛ نه‌تنها در این دوده اخیر، بلکه در ۲۰۰سال اخیر این مورد جریان داشته است.

اما اگر برنامه‌ای وجود نداشته قاعدتا باید قسمتی از این رویکردها به‌نفع ایران می‌شد، ولی همه خروجی‌ها تقریبا به زیان ایران است. اگر برنامه وجود نداشته باشد یک‌بار کاری انجام می‌دهد که به ضرر خودش است و به سود طرف. یک‌بار هم برعکس، یک‌بار هم هر دو سود می‌کنند ولی این مورد را در رابطه با روسیه و ایران نداشتیم و اغلب به ضرر ایران بوده و اگر نفعی را طرفین بردند سهم ایران بسیار ناچیز بوده و موردی نبوده که ۵۰-۵۰ باشد.

در روسیه تفکری است که خیلی هم جا افتاده و منطق هم در آن می‌بینند. طرفداران این تفکر معتقد هستند که ایران باید خیلی از روسیه راضی باشد. چرا که اگر روسیه نبود مطمئنا وضع ایران جور دیگری بود و جنگ بین ایران و آمریکا در گرفته بود. آنها می‌گویند که اگر روسیه با آمریکا (در مساله هسته‌ای) روبه‌رو نمی‌شد و حتی روسیه بی‌طرف می‌ماند، این جنگ شروع می‌شد. اما ما می‌گوییم که اگر این جنگ آغاز می‌شد، زیانی که روسیه از این جنگ می‌دید، بسیار بیشتر از زیان ایران بود.

سوال کلیدی همین است، یعنی باز برای حفظ منافع روسیه اجازه ندادند که در ایران جنگ شود و ایران در این قضیه بهره برده است و روس‌ها هم چیزی از جیب نداده‌اند و هم در چارچوب استراتژی خود عمل کرده‌اند.

آنها این قسمت دومش را نمی‌گویند. آنها می‌گویند ما به ایران کمک کردیم و ایرانی‌ها قدر ما را نمی‌دانند. نکته دوم که آن ستون‌پنجم و لابی اسراییل و دوستان دیگر درست کردند این است که می‌گویند طبیعت ایران غربگراست، یعنی اگر همین امروز تحریم‌ها برداشته شود و ارتباط ایران و غرب درست شود ایران به سمت آنها می‌رود؛ بنابراین نمی‌شود به ایران اعتماد کرد.

یعنی یک بدبینی هم روس‌ها در مورد ایران دارند؟

این بدبینی را نه مردم، بلکه برخی کارشناسان‌ارشد و بعضی افراد صاحبنظر دارند و دلیل هم دارند. می‌گویند ما باید مراقب ایران باشیم. خیلی‌ها رسما و در سطح دولت مثل مشاوران آقای مدودف می‌گویند که هرچه‌بیشتر ایران تحت تحریم باشد برای ما سود دارد.

طبق صحبت‌های شما، دو دیدگاه در روسیه وجود دارد: یک دیدگاه معتقد است اگر ایران در تحریم و زیرفشار باشد به نفع روسیه است و یک دیدگاه معتقد است ما باید به تخفیف تحریم‌ها کمک کنیم. قبلا نگاه اول، حاکم بود و حالا داریم به سمت نگاه دوم می‌رویم. این برداشت درست است؟

الان داریم قدم‌های اول را برمی‌داریم و یکی از این قدم‌ها تفاهمنامه‌ای است که در جریان سفر وزیر انرژی روسیه به تهران و در کمیسیون مشترک ایران و روسیه به امضا رسید. من خوشبین نیستم که حتی ۱۰درصد از پروژه‌هایی که بر سر آنها تفاهم شد، اجرایی شود؛ چون ۹۰درصد این پروژه‌ها هر دفعه تکرار می‌شود. من خودم تقریبا در ۱۰سال اخیر در این کمیسیون مشترک حضور داشتم و می‌بینم که این همان پروژه است. چرا انجام نمی‌شود؟ در سطح معاون دپارتمان تا معاون وزیر در روسیه افرادی هستند که انگیزه یا گرایشی به غرب دارند.

پس معتقدید که اراده‌ای برای تبدیل این قراردادها به پروژه وجود ندارد؟

نمی‌شود گفت اراده‌ای وجود ندارد، اراده رییس‌جمهوری (پوتین) هست. تصمیم‌گرفتن برای همکاری با ایران اراده سیاسی می‌خواهد ولی قسمت اجرایی آن، به افراد ربط دارد و اینکه آنها چه تفکری دارند خیلی مهم است. در ۲۲سال اخیر، غربی‌ها توانسته‌اند در پله‌های مختلف دولت چه در وزارتخانه‌ها و چه در آژانس‌های دولتی و چه در جاهای دیگر، ریشه کنند. مثلا معاون وزیر حتما سهام یک شرکت غربی را دارد یا پسرش آنجا دارد تحصیل می‌کند یا یک ویلا دارد؛ خلاصه انگیزه‌ای دارد که منافع آن کشور حفظ شود. تعدادی در این سطح از آن دفاع می‌کنند و تعدادی هم اصلا موظفند راه هر ارتباطی را که با ایران وجود دارد، سد کنند!

هیات تجاری که اخیرا به ایران آمده، بزرگ‌ترین هیات تجاری روس در ۱۰ سال گذشته است، اما سوالی وجود دارد که چرا الان؟ و مثلا چرا وقتی ایران زیر فشار تحریم بود، هیاتی به این بزرگی به تهران نیامد اما اکنون که روسیه به خاطر اوکراین زیر فشار است، هیات روسی وارد کشورمان شده، به‌نظر شما این تاخیر زمانی برای چه بوده است؟

به‌نظر من حوادث بین‌المللی، حوادث اوکراین و اطراف آن و تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه تاثیر داشته است. من چند هفته قبل با پیشنهاد وزارت خارجه ایران، در ایران بودم که با وزارت جهاد کشاورزی جلسه داشتم. روسیه الان رسما ایران را جزو کشورهای واردکننده محصولات کشاورزی اعلام نکرده است. اما من اگر به جای پوتین می‌بودم اولین کاری که انجام می‌دادم به جای اس-۳۰۰، اس-۴۰۰ را به ایران می‌دادم و رسما هم اعلام می‌کردم. می‌دانم که ایران همسایه ماست، امنیت این کشور به امنیت ما ربط دارد و ما با این کار به خودمان کمک می‌کنیم. با راحت‌ترین شرایط قراردادهای نیروهای هسته‌ای را به امضا می‌رساندم. دوم اینکه با ایران یک چارچوب ویژه قراردادهای ارتباطی و اقتصادی را باز می‌کردم که از لحاظ مالیات و گمرک و وام‌های بانکی و ارتباط بانکی و بیمه و این چیزها یک حالت ویژه و حرکتی جهشی داشته باشد.

به نظر می‌رسد پوتین نمی‌خواهد این کارها را انجام دهد.

آقای پوتین می‌خواهد، ولی متاسفانه مشکلی که ما داریم این است که از بخشی پایین‌تر که کار اجرایی در دست آنهاست - حالا یا ستون پنجم، یا کسانی که فرهنگ غربی و وابستگی با غرب و انگیزه غربی دارند - نمی‌گذارند این کار انجام شود.

ادامه در صفحه ۱۵

> **ستون‌پنجم و لابی اسراییل می‌گویند طبیعت ایران غربگراست، یعنی اگر همین امروز تحریم‌ها برداشته شود و ارتباط ایران و غرب درست شود ایران به سمت آنها می‌رود؛ بنابراین نمی‌شود به ایران اعتماد کرد. این بدبینی را نه مردم بلکه برخی کارشناسان‌ارشد دارند**

ادامه از صفحه ۳

خطوط قرمز هسته‌ای ایران

«مجید تخت‌روانچی» دیگر معاون وزیر خارجه ایران درخصوص مذاکرات هسته‌ای گفت: «انتظار ایران از کشورهای غربی در این مذاکرات این است که بر اساس توافقات به‌عمل‌آمده و پس از امضای توافق جامع، تمام تحریم‌ها علیه ایران لغو شود.» مذاکرات ایران و گروه ۱+۵ از روز پنجشنبه ۲۷شهریور، در نیویورک آمریکا و در حاشیه مجمع‌عمومی سازمان‌ملل انجام می‌شود.

گزارش «آمانو» به «شورای حکام»

همچنین «یوکیا آمانو» مدیرکل «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» پس از افتتاحیه نشست فصلی «شورای حکام»، در یک نشست خبری بر اجرایی‌شدن سه‌گام از پنج اقدام عملی مورد توافق ایران با آژانس تاکید کرد و گفت که ایران رایزنی در مورد دو گام باقیمانده را آغاز کرده است. آمانو ادامه داد: «اکنون نیز در حال مذاکره درمورد دو موضوع باقیمانده در مورد ابعاد احتمالی تسلیحاتی هستیم. ما ایران را تشویق می‌کنیم که طرح‌های جدیدی برای اقدامات عملی جدید از اقدامات ساده تا اقدامات دشوارتر ارایه دهد.» به گزارش «فارس»، «آمانو» در ادامه کنفرانس خبری خود در «وین» درباره سوالی در مورد «پارچین»، گفت: «پارچین»، یکی از ۱۲مساله‌ای است که در مورد آن نگرانی وجود دارد. برای حل نگرانی‌ها، فکر می‌کنم «پارچین» یکی از مواردی است که باید در مورد دسترسی به آن با ایران مذاکره کنیم.» او همچنین از نیاز یک‌میلیون‌یورویی «آژانس» به‌عنوان هزینه نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران سخن گفت.

در همین حال، بهروز کمالوندی، سخنگوی «سازمان انرژی اتمی ایران» در مصاحبه با «العالم» با اشاره به پاسخ ایران درخصوص چاشنی‌های انفجاری و دو سوال باقیمانده در این‌باره گفت: «ایران اطلاعات اولیه در مورد دو سوال باقیمانده را در اختیار آژانس قرار داده. معمولا بعد از ارایه اطلاعات «آژانس» توضیحات بیشتری می‌خواهد که این توضیحات بیشتر ظرف یک‌هفته تا ۱۰روز آینده مطرح می‌شود و امیدواریم مثل موضوعات دیگر بسته شود.» معاون امور بین‌الملل «سازمان انرژی اتمی» در پاسخ به این سوال که در گزارش اخیر «آژانس» آمده که ایران در «پارچین» عملیات ساخت‌وساز جدیدی آغاز کرده، گفت: «این مساله فقط متعلق به گزارش اخیر نیست... طبیعی است در سایت نظامی بزرگی که هرروز فعالیت‌هایی در جریان است اتفاقاتی اینچنینی مطرح شود. مفهومی ندارد که این موارد را به‌عنوان ادله بیان کنند، در این خصوص ما معترض هستیم و در توضیح خود به «آژانس» اشاره خواهیم کرد که پرداختن به مسایل جزیی در شأن گزارش مدیرکل نیست.» او درباره درخواست «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» برای بازدید از «پارچین»، گفت: «حتی حقوقدانان متخصص در امور آژانس تاکید دارند که به لحاظ تخصصی، مسایل نظامی در حوزه صلاحیت «آژانس» نیست.»

کانادا، آماده‌باش!

در جلسه ما با رییس دفتر رییس‌جمهوری ایران، محمد نهاوندیان اشاره کرد که ما نیاز به بحث منطقی در مورد جامعه بازرگانی داریم.

دولت کانادا باید در رویکرد خود تجدیدنظر کند. لحن خشن دولت ما و بستن سفارت کانادا در تهران اقداماتی نادرست بود. ما اختلافاتی قانونی با ایران داریم اما بدون گفت‌وگو چگونه می‌توانیم شکاف‌ها را پر کنیم؟

«حمیدحسینی» رییس اتاق‌بازرگانی کانادا-ایران اخیرا گفته است که او احساس می‌کند کانادا پنجره‌های خود را به روی ایران بسته است. این در حالی است که «دیوید کامرون» نخست‌وزیر بریتانیا به‌تازگی اعلام کرده است که قصد بازگشایی سفارت بریتانیا را دارد. ما هم باید در این مورد دنباله‌رو انگلیس باشیم.

بازرگانان کانادایی باید آماده تعامل مجدد با ایران باشند. پیش از انقلاب سال ۱۹۷۹ کانادا حضور تجاری قوی‌ای در ایران داشت. امروز ایران به سرمایه‌گذاری عظیم و تکنولوژی پیشرفته نیازمند است. با وجود تحریم‌ها، اکنون آمریکا و اتحادیه اروپا به‌دنبال ایجاد موقعیت برای شرکت‌ها و کمپانی‌های خود در فرصت مناسب هستند. شرکت‌های کانادایی باید وارد این بازی شوند و آن را در دست بگیرند.

پتانسیل گسترده‌ای (برای گس